

# فرمولی جادویی برای کار آفرینی

ماجرای اختراع سوسک کش، معلمی و خانه داری، کار آفرین برتر کشور شدن و فعال حوزه صادرات همه در گفت و گو با خانم «شکوه سادات هاشمی»

نجات شکوندی | روزنامه نگار

پرونده

از نیاز تا خلایق برای پاسخ دادن به آن، راهی به جز تلاش و کوشش نیست. اختراعات و پیشرفت های بشر در هر زمینه ای، ریشه در حل مشکلاتش داشته است. مشکلاتی که راهکار هایش می تواند نفع عمومی داشته باشد. مانند داستان همین خانم «هاشمی» که در پرونده امروز زندگی سلام به سرآغش رفتیم. معلمی سخت کوش و البته خیرخواه که نیازی ابتدایی اما ضروری اورا به ترکیبی منحصر به فرد برای ریشه کن کردن سوسک ها رساند. حالا او صاحب دو کارخانه است و یک بار هم به عنوان کار آفرین برتر کشور انتخاب شده است. اگر شما هم مانند من از سوسک چند شتان می شود و در کنارش برایتان جالب است تا بدانید چطور یک نیاز شخصی در کنار تلاش، یک فرد را به یک کار آفرین نمونه کشوری تبدیل می کند؛ داستان خانم «شکوه سادات هاشمی» را تا انتها دنبال کنید. خدا را چه دیدید شاید سوژه کار آفرین بعدی پرونده ما خود شما باشید!

## جزو مبدعان ورزش های همگانی بودم

«سلام، من «شکوه سادات هاشمی» متولد ۵ تیر ۱۳۳۴، کار آفرین برگزیده کشور در جشنواره شیخ بهایی و منتخب جشنواره نوآوری و شکوفایی هستم. هم اکنون هم دو کارخانه در بحث تولید مواد شیمیایی و مواد غذایی دارم. باین معرفی که همراه با صدای بلند و پر از انرژی این خانم ایرانی بود، «هاشمی» خیلی زود به سراغ گذشته خودش می رود و ادامه می دهد: «من ابتدا معلم بودم. بحث معلمی هم به سال های قبل از کسب و کارم می گردد. آن زمان من معلم و مربی ورزش بودم به این صورت که ابتدا یعنی از سال ۷۲ به بعد ورزش صبحگاهی را در پارک شروع کردم و کم کم به دلیل علاقه، در کلاس های مربیگری توجیحی درجه ۳ و ۲ را گذراندم. یک حقوق مختصر از فعالیت در پارک و زیر نظر معاونت ورزشی بانوان دریافت می کردم و همین باعث شد در تربیت بدنی شمال شرق به عنوان مربی صبحگاهی و مسئول ورزش های همگانی و کوهنوردی استخدام شوم که در انتها مسئول روابط عمومی آن جا هم شدم. همه این مشاغل باعث شد که هنگام ثبت نام مدرسه برای دختر کوچکم توسط مدیر مدرسه دعوت به کار به عنوان معلم ورزش شوم و این شروع کار من در آموزش و پرورش به عنوان معلم غیر موظف در چند مدرسه بود. علاوه بر این، من جزو مبدعان ورزش های همگانی هم بودم یعنی آن زمان که ورزش های همگانی در فضای باز به همراه گردشگری برگزار می شد، من پیشنهادش را داده بودم تا یک سال بعد از شروع کسب و کار جدیدم که الان در آن مشغول هستم یعنی تقریباً تا سال ۷۸ معلم ورزش بودم و بعد از آن دیگر معلمی را کنار گذاشتم». او درباره یکی از علائق کودکی اش هم می گوید: «درس خواندن را خیلی دوست داشتم و اهل مطالعه بودم. برای پدرم کتاب می خواندم و در ازای خواندن قصه های هزار و یک شب و شاهنامه از او پول می گرفتم. خودم هم مطالعه را خیلی دوست داشتم. سعی می کردم کتاب، روزنامه و مجله تهیه کنم و بخوانم. شرایط مالی خانواده هم زیاد خوب نبود بنابراین از جاهایی که کتاب و مجله کهنه داشتند، با قیمت کمتر مجله تهیه می کردم.

## در لگن رخت شویی خانه مان این سوسک کش را اختراع کردم

«هاشمی» در مطلبی که به قلم خودش منتشر شده، درباره ماجرای اختراعش می گوید: «آپارتمان قدیمی محل زندگی ام که در مجاورت حمام عمومی قرار داشت، مملو از سوسک بود. برای رفع این معضل، از انواع حشره کش ها استفاده و حتی با ریختن آب جوش سعی در بیرون کشیدن حشره و مقابله با آن می کردم، ولی روز به روز بر تعداد سوسک ها افزوده می شد. از پیگیری های مستمر و مراجعه به کتاب های مختلف، پرس و جو از اطرافیان و هر آن چه ممکن بود کار ساز باشد دریغ نکردم. سر انجام به ترکیبی رسیدم که پس از مصرف آن و گذشت مدت کمی سوسک ها ناپدید شدند. پس از گذشت چند ماه متوجه شدم که نسل سوسک ها کاملاً از خانه ماریشه کن شده است. در این مرحله بود که به فکر افتادم بهتر است این محصول را

به دیگران هم عرضه کنم تا آن ها هم از شر این مزاحم خانگی خلاص شوند. سال ۷۶-۷۷ بود. ابتداء در لگن رخت شویی خانه، شروع به تولید این محصول کردم و باتهییه تیوب های مخصوص چسب آکوارיום، به بسته بندی محصول پرداختم. باین که کار در سطح خانگی انجام می شد، از فروش آن به شاگردان ورزشی ام در کلاس های صبحگاهی و فروش دست به دست آن توسط آنان، نه تنها سطح در آمد خانواده افزایش یافت، بلکه امیدی به داشتن بازاری خوب و مناسب برایش تصور می شد. سرانجام در سال ۱۳۷۸ موفق شدم، گواهی نوآوری از سازمان پژوهش های صنعتی ایران و گواهی غیر رسمی بودن از پژوهشکده شیمی (نداشتن مسمومیت برای انسان) و گواهی ثبت اختراع و تأییدیه ۱۰۰ درصد پژوهشگاه صنعت نفت را کسب کنم و اختراع به نامم ثبت شد. بدون سرمایه و تنها با کمک طرح های کمک های فنی و تکنولوژی صنایع، کارخانه ای را خریدم و خط تولید انبوه محصول را با چند نیروی محدود راه اندازی کردم و به تدریج آن را توسعه دادم».

## تولید کننده باشیم

هاشمی که اقتصاد خوانده، غیر از فعالیت در زمینه سوسک کش و... در بحث مواد غذایی هم فعال است و درباره تفاوت این دو حوزه به «زندگی سلام» می گوید: «من همیشه به همه گفتم به جای این که منتظر حقوق سر برج باشید، تولید کننده شوید. من در بحث تولیدی هیچ مشکلی ندارم برخلاف بقیه افراد که از بانک و بیمه و دارایی می نالند، من همیشه مشکل منابع انسانی بوده است. چرا که نیروی که چیزی بلد نیست خیلی طول می کشد تا یاد بگیرد و آن کسی هم که بلد است کلی توقع دارد. اما راجع به کارخانه مواد غذایی

## رنگارنگ ترین مکان های جهان

در «مزرعه» بنفش فرانسه، دیواره بزرگ مر جانی، استرالیا و... زیبایی مسحور کننده رنگ ها، حرف اول و آخر را می زند

مناظر رنگارنگ معمولاً ما آدم ها را به وجد می آورد اما شاید وقتی عکس شان را برای اولین بار می بینید، باور نکنید که این مکان ها واقعی هستند. مادر مینی پرونده امروز زندگی سلام، پنج تا از رنگارنگ ترین مکان های جهان را به شما معرفی می کنیم.

علت رنگ صورتی آن باکتری هایی است که در آب شدند می کند. این رنگ به ویژه در فصول خشک سال (از نوامبر تا ژوئن) به خوبی قابل مشاهده است و این در حالی است که در فصول بارندگی (ژوئیه تا اکتبر) میزان رنگ صورتی فروکش می کند. میزان شوری این دریاچه در برخی نقاط تا ۴۰ درصد هم می رسد.



دیواره بزرگ مر جانی | کجا؟ استرالیا

با وجود ۴۰۰ گونه مر جانی، ۵۰۰ گونه جلبک دریایی و ۱۵۰۰ گونه ماهی این مکان جزویکی از رنگارنگ ترین نقاط زیر آب جهان است. دیواره بزرگ مر جانی استرالیا یکی از بزرگ ترین عجایب طبیعی و بزرگ ترین صخره های مرجانی دنیاست که از هزاران سال پیش تا به حال این دنیای باشکوه زیر آب بارنگ های درخشانش پناهگاه موجودات جذاب اعماق اقیانوس است اما افزایش غیر طبیعی و سریع دمای زمین این اکوسیستم گسترده را در معرض تهدید قرار داده است.



مزرعه بنفش | کجا؟ فرانسه

این مزرعه که تا چشم کار می کند بنفش است در بخش های جنوبی فرانسه قرار دارد و یکی از زیباترین مناطق جهان است. مزرعه زیبا سراسر بنفش است و قو دوس در فرانسه بارنگ دل فریب و آرامش بخش ارغوانی به این فلات زیبایی خاصی داده است.



دریاچه رتیا | کجا؟ سنگال

با دیدن این دریاچه صورتی رنگ به چشم هایتان هم شک خواهید کرد.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه • ۳۰ تیر ۱۴۰۱

۲۱ ذی الحجه ۱۴۴۲ • ۲۱ جولای ۲۰۲۲

شماره ۲۰۹۹۰

۳۲۱۰

## اولین بار در یک تاکسی محصولم را فروختم

«حسب یک نیاز و تلاش برای رفع آن دست به اقداماتی زدم و موفق شدم به یک محصولی دست یابم». خانم «هاشمی» شرط شروع هر کار خلاقانه و تولیدی را «نیاز» می داند و ادامه می دهد: «از آن جا که در بحث خیرخواهی هم هستم و همیشه سعی کرده ام هر چیزی را که خوب است فقط برای خودم تنها نخواهم، محصولم را به بقیه هم معرفی کردم و توانستم رفته رفته مشتری پیدا کنم. خانه من در داخل ساختمانی که سال ۵۵ احداث شده بود و در سال ۷۶ یک عمر ۲۴ یا ۲۵ ساله داشت، آن هم در جوار حمام و رودخانه قرار داشت! همین مسائل مارا مجبور می کرد با همه چیزهای در دسترس یا سوسک های آن جا مبارزه کنیم. همه اختراعات بشر هم به این نحو بوده است یعنی یک نیازی شکل گرفته و بر اساس آن نیاز، کشفی اتفاق افتاده است. من در اولین همایش کار آفرین نوجوانان و جوانان که در زنجان شکل گرفته بود هم راجع به نیاز و کشف بر اساس رفع نیاز صحبت کردم که اتفاقاً با استقبال بچه ها هم همراه شد. بیشتر ایداعات هم همان طور که می دانید کاملاً اتفاقی است. در ابتدا ما فکر می کردیم هیچ چیز حریف این حشرات نمی شود تا این که با پیگیری هایی که از طریق دام پزشکی، علوم پایه و اطلاعات عمومی که حتی در دسترس خانم های خانه دار هم هست، داشتم به یک ترکیب متشکل از املاح معدنی، خوراکی و ویتامین رسیدم که برای این حشره جذاب است و باعث می شود که با و لع بخورد و از بین برود. خب این یعنی یک اثر بیولوژیک. وقتی به این ترکیب رسیدم، مربی ورزش بودم و برای همکاران در آموزش و پرورش ابتداء مجانی بود و بعد که تقاضا زیاد شد مانند همه تولیدات یا به قول اقتصاد دانان که عرضه بازارش را شروع می کنند، من هم توانستم بازار کارم را پیدا کنم. زمانی وضعیت اقتصادی درستی نداشتیم و اولین بار با صحبت کردن در داخل تاکسی توانستم محصولم را به قیمت ۱۲۰۰ تومان بفروشم. به هر حال من فکر می کنم که سرمایه اصلی من نیت خیرخواهانه من بود».

## پیاده روی و تماشای فیلم در کنار مطالعه برای پایان نامه دکترا

در بخش پایانی گفت و گو، خانم «هاشمی» ضمن صحبت از آینده و صادرات شرکتش، گریزی به کارهای اوقات فراغتش و رویکرد زندگی اش می زند و ادامه می دهد: «محصول ما توسط شخصی مصرف کننده به کشورهای زیادی رفته است و بازخوردهای خوب زیادی هم داشته است. الان چند سال است که جدا از بازار ایران ای بیگینگیر این مسئله هم هستیم. اما مشکلاتی مثل بازگشت پول در کنار تحریم ها را داریم. در انتها هم بگویم من یک خواهر دلسوز دارم که پیوسته به من می گوید به خودت برس و من هم همیشه در جواب می گویم، هرگز فکر نکن من به خودم نمی رسم. من از این همه کار و تلاش دارم لذت می برم و در اوقات فراغت به ورزش، پیاده روی، استخر و دیدن فیلم و کوهنوردی می پردازم و در کنار آن مطالعه برای پایان نامه دکترا را هم انجام می دهم».



پرونده

در آن رخ داده که ذهن هر کسی را درگیر می کند. همه می گویند رمز و رازی در دریاچه ناترون وجود دارد که خفاش ها، فلا مینگوها و حتی گاو میش هایی با جثه بزرگ را طعمه خود کرده است. می گویند ناترون، دریاچه ای است که حیوانات در آن به سنگ تبدیل می شوند! دانشمندان درباره دلیل آن می گویند که این دریاچه با بستری قلیایی پوشانده شده است. بعد از تخییر آب در ناترون، این دریاچه ترکیبی از مواد شیمیایی طبیعی مانند کربنات سدیم و جوش شیرین را در خود جای می دهد؛ بنابراین با توجه به شوری منطقه و باقی مانده های نمکی، همه اشیای بی جان از جمله حیوانات مرده به صورت مجسمه هایی شبیه مجسمه سنگی درآمده اند.



منبع این بخش از پرونده، برترین ها، الی گشت و ...



دره شبیازاکورا | کجا؟ ژاپن

شبیازاکورا یا خزّه صورتی نام گلی زیباست که شکوفه هایی به رنگ صورتی بسیار روشن، قرمز و سفید دارد. جشنواره فوجی شبیازاکورا که حدود سه کیلومتر دورتر از دریاچه موتوسکو برگزار می شود، به مدت شش هفته بازدید کنندگان بسیاری را مجذوب خود می کند. دشت های وسیع پر از شکوفه های صورتی رنگ به همراه نمایی از توه فوجی در پس زمینه به نوعی امضای این جشنواره محسوب می شود. بازدید کنندگان برای تماشا و تحسین بیش از ۸۰۰ هزار شاخه گل در پنج رنگ مختلف در این مکان گرد هم می آیند.

دریاچه ناترون | کجا؟ تانزانیا

دریاچه ناترون که در شمال تانزانیا قرار گرفته، علاوه بر زیبایی، اتفاقاتی